



## سوم حوت یک حماسه بود، نه یک شورش

سوم حوت ۱۳۵۸، حماسه سترگ مردم کابل در مقابل تجاوز رو سیه متجاوز بود. این یک اصل قبول شده و یک درس بزرگ تاریخی بود که به تاریخ پیوست و نقش صفحات پر تلاطم تاریخ میهن گشت.

همه ساله از این حماسه جاودانه، یاد و بود به عمل می آید و یاد حماسه سازان و قربانیان آن حماسه ملی و میهنی گرامی داشته می شود و به قربانیان سرافراز آن درود فرستاده می شود. این کمترین خود شاهد آن حماسه بودم، در آن حضور داشتم و با هموطنان، هم شهریان، همسایگان هم کوچه ها و دوستان و آشنایان فریاد "روسها از افغانستان بیرون شوید" را سر داده بودم، فریادی که از صد ها و هزاران دهان بیرون می شد و زمین و زمان را به لرزه در آورده بود و...  
 عده از هموطنان هم فریاد می کردند که:

روسها از مُلک ما بیرون شوید

ورنه غرق رودبار خون شوید

از این قلم شکسته، همه ساله در همین روز سوم حوت، به اندازه توان، خاطراتی نشر می شود و واقعیت های آن حماسه را بی ترس و بی هراس و بی پرداز و غلو و مبالغه، آنچه بود و آنچه دیدم اندر آن حماسه، روی کاغذ آورده ام. امسال اما با درد و دریغ که جنجال های زندگی و هزار و یک مشکل دیگر، این کمترین را از قضیه غافل ساخت.

و اما در صفحه مورخه ۲۲ فبروری پورتال افغان جرمن آنلاین، یک مضمون توجه مرا جلب کرد تحت این عنوان:

" از «۳ حوت» یاد شد، از «۲۱ دلو» «قتل عام افشار» چرا یادی نمی کنند؟"

تکائی خوردم و با خود گفتم، هیهات سوم حوت فراموشم شد!

نوشته متذکره از قلم کسی به نام "نجیب روشن" است، روشن ای که سخت تاریک می نماید. بیائید درنگی بر بعضی قسمت های آن نوشته بکنیم که چه چرندی را خواسته است به خورد مردم دهد.

البته ناگفته نباید گذاشت که با عنوان نوشته موافقم و از روز فاجعه و قتل عام افشار نیز باید بدون چون و چرا یاد و بود به عمل آید که آن خود یک مبحث جداست.

"دیروز آقای «یونس قانونی»، به مثابه یگانه سخنران گروه «جمعیت»، از حادثه «سوم حوت» در کابل یاد کرد و آنرا نقطه آغاز حرکت مردم برای اعلام «جهاد» علیه اشغال شوروی نامید." یونس قانونی و هر حزبی و تنظیمی و سازمانی و...، به شمول رهبران و دنباله روان شان، درست مانند نجیب روشن چرند میگویند و جفنگ می پراکنند، حماسه خودجوش و مردمی سوم حوت ۱۳۵۸ کابل، به "جهاد" هیچ ارتباط و پیوندی نداشت، این سخنان تهوع آور را بار بار تنظیمی ها قافله و تکرار کرده اند، به شمول یک پادو گلبدین راکتیار بنام "نذیر تنویر"، که هرگز هیچ خریداری ندارد و فقط یک خودبزرگ بینی دل بدکن است و از حقیقت فرسخها فاصله دارد.

"...نخست باید مراتب تسلیت ام را به بازمانده گان قربانیان آن حادثه (سوم حوت)، که شماری از جواسیس پاکستان، از احساسات پاک جمعی از جوانان خونگرم آنوقت سود بردند و آنانرا بغرض شورش و ناآرامی ها در شهر تحریک کردند، ابراز کنم"

نخست این هموطن تفاوت بین "حادثه" و "حماسه" را نمی داند. حادثه دفعه‌تاً و در یک آن واحد اتفاق می افتد، مانند یک حادثه ای ترافیکی، اما حماسه سوم حوت کابل به گونه ای آغاز شد که نخست شب دوم حوت ۱۳۵۸، از در و بام و کوچه و پسکوچه و خانه ها و کلبه های سرتاسر کابل نعره های الله و اکبر آهسته آهسته بلند شد، بعد وسعت پیدا کرد و تا گُل صبح ادامه یافت و در دم دمه های صبح که قیود شبگردی تجاوزگران روسی و غلامان بی مقدار خلقی و پرچمی شان شکست، مردم همه به سرک ها و کوچه ها و خیابانها ریختند و همه یک صدا فریاد می زدند "روسها از مُلک ما بیرون شوید"، "مرگ بر ببرک"، "مرگ بر تجاوزگران" و...، پس یک حماسه را یک حادثه جلوه دادن، یک گناه بزرگ و نابخشودنی است.

"...شماری از جواسیس پاکستان، از احساسات پاک جمعی از جوانان خونگرم آنوقت سود بردند و آنانرا بغرض شورش و ناآرامی ها در شهر تحریک کردند،..."

دیده درائی از این بیش دیگر امکان ندارد، من نمی دانم نجیب روشن در آن حماسه سترگ که توسط عساکر روسی و پادوان بی مقدار خلقی و پرچمی شان از زمین و آسمان به خون کشیده شد، در کدام

دفتر و دیوان سنگر گرفته بود و مشغول کشتار هموطنان خود بود، اما این کمترین درست در بین باشندگان کارته سه و پل سرخ، نه ترس و بی هراس مشغول راهپیمائی و شعار دادن بودم و از همان دقایق نخست تا نیمه دوم روز که آن حماسه بی نظیر را شما ها به خاک و خون کشیدید، هرگز و هرگز نه با کدام "پاکستانی" سر خوردم و نه هم هیچ بنی بشری به مردم عام، شامل مرد و زن و پیر و جوان و طفل، شعار یاد می داد یا رهنمائی و رهبری میکرد و...، شرم تان باد که هرگز آدم نمی شوید. اگر آن حماسه رهبری شده می بود، با آن سادگی از هم نمی پاشید.

"... حادثه دلخراش «سوم حوت»، که من اعمال هردو طرف (آشوبگران و حکومت وقت) را تائید نمی کنم،..."

در این قسمت نجیب روشن اعتراف میکند، که حماسه سوم حوت کابل، که وی آنرا "حادثه" عنوان می کند، دلخراش بوده است. کی ها آنرا دلخراش ساختند و چرا؟!!

آن حماسه سازان نه تفنگ و تلوار داشتند و نه تیر و تبر و فقط شعار می دادند و اعتراض می کردند که حق مسلم شان بود، اما همان حکومت وقت مورد نظر شما (جمهوری دیموکراتیک افغانستان)، آن هموطنان بی گناه و بی دفاع و آزاده ما را چنان به رگبار کین و نفرت خود بستند که در نیمه دوم روز سوم حوت ۱۳۵۸، هر سرک و کوچه و خیابان و مسجد از اجساد خونین هموطنان شریف ما، انباشته شده بود. این چشم دید این کمترین تنها از منطقه کارته سه و پل سرخ کابل است. شرم تان باد که هنوز هم پس از نیم قرن یا ۵۰ سال، دست از تفتین و توطئه و دشمنی و... بر نمی دارید!!!

"... اگر در آن سالیان ... و برایش اشک می ریختند، امروز آن اهمیت سیاسی و تبلیغاتی اش را از دست داده است، زیرا جای آنرا حوادثی گرفت، که «سوم حوت» را به فراموشی سپرده است!"

یقین کامل داشته باشید جناب نجیب تاریک، تاریک اندیشی شما را به قهقرا می برد، اندکی روشن بیندیشید، اهمیت سیاسی و اجتماعی حماسه ها، نظیر حماسه سوم حوت ۱۳۵۸ کابل و حماسه نهم ثور ۱۳۵۹ کابل و قیام سترگ ۲۴ حوت هرات و نظایر آنها، ثبت تاریخ پر از نشیب و فراز افغانستان گشته است و هیچگاه فراموش نمی شود. هیچ تبلیغات ای هم ضرورت ندارد.

هر حادثه و هر قیام و هر حماسه ای که در مقابل و در عکس العمل به تجاوز عریان تجاوزگران روسی و نوکران بی مقدار خلقی- پرچمی و خادی شان در کشور به خاک و خون غلتیده و مورد تجاوز وحشیانه قرار گرفته ما اتفاق افتاده و صورت گرفته باشد، دیگر نقش صفحات تاریخ کشور ما گشته است، بگذار چند بی آب و بی آبرو و شرف باخته تلاش کنند تاریخ کشور ما را مسخ کنند، اما تاریخ حافظه قوی دارد و مردم هم هرگز فراموش نمی کنند که بر آنها و بر آل و اولاد و احفاد

شان چه گذشته است. قتل عام افشار هم نمونه ای از وحشت و جنایت و رزالت تنظیمی های ساخت پاکستان و ایران است که مردم غیور افشار را بی رحمانه قتل عام کردند و بر زنان و فرزندان شان نامردانه تجاوز کردند و هست و بود و دار و ندار شان را به غارت برند. آن فاجعه دردناک هم هرگز فراموش مردم و تاریخ نمی شود. اما شما جناب روشن تاریک اندیش، فراموش کرده اید که جنرالان و پیلوتان و تانکیست های شورای نظاری ها و سیافی های وهابی و...، همه و همه خلقی و پرچمی بودند، اما تاریخ این حقیقت را هرگز فراموش نمی کند.

"... بلی جالب آنجا بود که در مراسم دیروز، سخنران اصلی محفل (یونس قانونی)، از جمله همان هواداران گروه محرکین اصلی حادثه سوم حوت بود،..."

شما جناب نجیب روشن، نظر به کدام سند ادعا می کنید که یونس قانونی از "هواداران گروه محرکین اصلی حادثه سوم حوت بود".

از نظر این کمترین در آن زمان یونس قانونی حتی عضو کدام حزب و تنظیمی هم نخواهد بوده باشد و در حماسه سوم حوت ۱۳۵۸ کابل نه تنها هیچ دستی نداشته که حتی قدمی هم در آن حماسه بر نداشته باشد، اما اگر امروز چنین ادعا میکند، از ریشه بی بنیاد است و یک دروغ محض، درست مانند ادعا های گلبدینی شناخته شده ای بنام نذیر تنویر و امثال شان.

درست به یاد دارم که در بعد از به خاک و خون کشانیدن قیام و حماسه نهم ثور مکاتب دختران کابل و درست چندی بعد از آن کشتار ددمنشانه، آنگاهی که رشادت و دلاوری ناهید صاعد شهید، در سر تا سر افغانستان زبازد خاص و عام گردید، حزب اسلامی گلبدین راکتیار در نشریه مبتدل حزب خود عکس ناهید شهید را نشر کرد که بر سر او یک چادر سیاه انداخته شده بود و ادعا کردند که ناهید شهید از اعضای مخفی حزب اسلامی بود و...، یعنی اینکه همانگونه که سخنان خلقی ها و پرچمی ها و ادعا های آنچنانی شان، نزد مردم دو توت ارزش ندارد، ادعا های دل بد کن یونس قانونی ها و عبدالله ها و کج کلاه های شان نیز پیشیزی ارزش ندارد و از حقیقت فرسخ ها فاصله دارد و اینرا هم تو میدانی و هم من و هم خلق خدا، اما آنانی که تاریک می اندیشند، در تاریکی میمیرند، باوجودیکه میدانند در بیرون آفتاب است و روشنائی، اما خفاش گونه در همان تاریکی خو گرفته اند.

"...کسانیکه خود به نیروی خارجی و قوت بالفعل یک «اشغالگر دومی - امریکا»، از مغاره های پنجشیر بیرون شدند و به قدرت رسیدند و تا امروز امنیت شانرا اشغالگران امریکائی تأمین می کنند و مرتکب چنان گناهان کبیره و جنایات به مراتب تکان دهنده تر از حادثه «سوم حوت» شده اند،

که تاریخ به مانند جنایات «چنگیز» در منطقه، بیاد خواهد داشت! یاد و بود از آن شورش (سوم حوت)، که نوعی احتجاج و مخالفت با اشغال شوروی بود، امروز بخاطری شنونده ندارد، که محرکین پشت پرده آن حادثه که امروز سخنرانی می کنند، خود محصول «اشغال» اند. مگر می شود اشغال را دو طعم و هویت داد: اشغال شوروی «تلخ، حرام و غیر اسلامی» و اشغال امریکائی، «شیرین، حلال و اسلامی»؟! "

خدمت جناب نجیب روشن عرض شود که بگفته مردم افغانستان " سگ زرد، برادر شغال"، و اما کی گفته است که اشغال دو نوع دارد، اشغال اسلامی و حلال و اشغال غیر اسلامی و حرام؟! شاید مغز های مریض چنین ادعای احمقانه کنند، یا کرده باشند و یا هم شما از معده خود کشیده اید. تجاوز، تجاوز است، چه از طرف مسلمان باشد چه از سوی غیر مسلمان. از جانب دیگر، اشغال، مواد خوراکی نیست که حلال آنرا نوش جان کنیم و حرام آنرا به سگ دهیم. اشغال امریکا و ناتو هم اشغال است از روس ها هم اشغال بود، اگر پاکستانی ها و ایرانی ها و عرب ها هم دست به این عمل نفرت انگیز بزنند، باز هم اشغال است و غیر قابل قبول و... و اما و مگر، آیا همین جناب شما نبودید که در اوایل اشغال امریکا، رئیس رادیو تلویزیون تشریف داشتید و از کیسه امریکا معاش و امکانات دریافت میکردید.

آیا ده ها خلقی و پرچمی به شمول علومی و اتمر و بابه جان و جنرال بی خدا و...، همه و همه معاش بگیر امریکا نیستند؟! "

آنانی که به نوکری خو گرفتند، تا قاف قیامت و تا دم مرگ، نوکر باقی می مانند، فرقی ندارد که به کدام حزب و تنظیم و سازمان و...، تعلق دارند و یا مربوط به کدام قوم و قبیله و عشیره می باشند. جنایتکار، جنایتکار است، چه تره کی و بیرک باشد، چه نجیب و جنرال عظیمی و جنرال بی خدا و بابه جان و اتمر و ازهر و امثال شان و چه گلبدین و مزاری و ربانی و محقق و مزاری و خلیلی و دوستم و ...

بلی فاجعه افشار هم درست مانند حماسه های سوم حوت کابل و ۲۴ حوت هرات و نهم ثور کابل، باید تجلیل شود و از قربانیان آن بزرگداشت صورت گیرد. ملت باشهامت و بردبار افغان همانگونه که کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ و ششم جدی ۱۳۵۸ (تجاوز ننگین روس ها به افغانستان) را همه ساله در سر تا سر دنیا با وسائل مختلف تقبیح میکنند، همانگونه هم کودتای شرم آور هشتم ثور ۱۳۷۱ را که حاصل وصلت دو حرامزاده سیاسی بود، به شدت تقبیح میکنند.

فاجعهٔ افشار هم همه ساله از سوی هموطنان شریف ما تقبیح و محکوم می شود و بر بانیان و طراحان و مجریان آن، به شمول ربانی- مسعود و مزاری- خلیلی و محقق و سیاف و قانونی و عبدالله و... نفرین می فرستند و هیچکدام هم فراموش نمی شود.

**جاوید باد یاد قربانیان و حماسه سازان سرافراز سوم حوت کابل**

**نفرین ابدی باد بر آنائیکه حماسهٔ سوم حوت کابل را به خاک و خون کشیدند!**

**شرم باد بر آنائیکه حماسه را "حادثه" عنوان میکنند!**

